

نظریه در مجموعه سازی

دکتر ابراهیم افشار

چکیده

چهار نظریه متفاوت دربارهٔ مجموعه‌سازی با نامهای نظریه‌های متقدم، مجموعه‌سازی به مثابه برنامه‌ریزی، مجموعه‌سازی به مثابه تفسیر و مجموعه‌سازی به مفهوم هرج و مرج سازمان یافته در این نوشته مورد توصیف و نقد قرار گرفته‌اند. نشان داده شده است که نظریه در مجموعه‌سازی، اندیشه و الگویی است که از سرچشمه‌های مختلف و در چارچوبهای متفاوت از لحاظ مبانی فلسفه و برای منظوره‌های متفاوت شکل گرفته‌اند و مقایسه همه آنها با یکدیگر دشوار است.

در ادبیات کتابداری چهار نظریه در حوزهٔ مجموعه‌سازی قابل ردیابی است. پیش از پرداختن به شرح هر یک از این نظریه‌ها، لازم است درباره اصطلاح «نظریه» آن گونه که در این نوشته مورد توجه است توضیح داده شود. می‌توان دو تعبیر اخص و اعم از نظریه اراده کرد. در مفهوم اخص، نظریه را می‌توان الگویی دانست که برای توصیف واقعیت بکار می‌رود و در آن روابط میان اجزائی که یک واقعیت را تشکیل می‌دهد، نشان داده می‌شود. این معنا از نظریه همانست که در علوم، به ویژه علوم طبیعی رواج دارد و غرض متعالی از پژوهش را تشکیل می‌دهد.

در چنین تعبیری از نظریه دست کم دو چیز مطرح نیست. یکی قضاوت ارزشی است، دیگر آنکه خود نظریه جنبه دستورالعمل ندارد و در آن عمل به چیزی تجویز نمی‌شود.

در مفهوم اعم، نظریه را می‌توان به کلی‌ترین سخنانی که درباره پدیده یا فعالیتی بیان می‌شود نیز گسترش داد. در اینجا مفهوم نظریه با مفهوم، سنتی تر «فلسفه» کم و بیش انطباق دارد. در چنین سخنانی افزون بر اشاره‌های توصیفی در باب روابط میان پدیده‌ها، هم جا برای قضاوت‌های ارزشی باز است و هم، به تبع آن، سخن جنبه تجویزی پیدا می‌کند.

آرایی که در این نوشته، ذیل عنوان «نظریه در مجموعه‌سازی» معرفی و تحلیل می‌شود، ترکیبی از هر دو نوع تعبیر اعم و اخص است. سبب پرداختن به هر دو نوع «نظریه» در این نوشته آن است که انواع نظریه‌ها درباره مجموعه‌سازی در کتابخانه‌ها تحت عنوان کلی مجموعه‌سازی در منابع رشته ظاهر می‌شوند و دانشجوی مجموعه‌سازی با آنها به عنوان یک کل در ادبیات مواجه می‌شود. بنابراین ممکن است معرفی، تحلیل و مقایسهٔ یکجای این نظریه‌ها برای او مفیدتر و روشنگرتر باشد.

1. نظریه‌های متقدم

نخستین گونه از سخنانی که می‌توان از آن تعبیر به «نظریه» کرد، سخنانی است که در متون درسی مجموعه‌سازی در زمینه اصول عملی مجموعه‌سازی مطرح شده‌اند. این سخنان را در متون درسی این حوزه، به صراحت یا به‌طور ضمنی می‌توان یافت. در یکی از این کتابهای درسی ایونز خلاصه مفیدی از 70 سال تفکر در باب انتخاب مواد آورده است. این خلاصه آراء اهل نظر حرفه کتابداری از 1925 به بعد را در برمی‌گیرد که در 12 اثر عمده به زبان انگلیسی عرضه شده‌اند (Evans, 1995: 124-97).

یکی از مباحث محوری در نظریه‌های متقدم، تقابل میان نیاز و کیفیت است و بدینگونه صورت‌بندی می‌شود که آیا در انتخاب کتاب (که هسته اصلی عمل مجموعه‌سازی است و در گذشته مجموعه‌سازی را به این نام می‌خواندند) باید پیرو در خواستهای جامعه بود یا به والائی کیفیت اثر به تشخیص کتابدار بها داد؟ بحث دیگر میزان پوشش موضوعی در کتابخانه‌های پژوهشی بود و آن اینکه پوشش کامل در مجموعه‌سازی کی و کجا و برای چه حوزه‌هایی ضرورت دارد؟ اینها نمونه‌ای از مباحث ادبیات متقدم مجموعه‌سازی هستند. شرح مبسوط‌تر را می‌توان در خلاصه مورد اشاره یافت.

در یک بررسی تاریخی از مجموعه‌سازی برودس از مباحث فوق به عنوان نخستین کوششها برای تدوین فلسفه‌ای برای عمل مجموعه‌سازی یاد شده است (Broudis, 1991: 8) لیکن این مساعی ذهنی همواره به خوبی یاد نشده است. از اواخر دهه 1960 و به‌ویژه در طول دهه 1970 که ایده برنامه‌ریزی به‌شکلی ایدئولوژی رسمی مدیریت کتابخانه‌ها در آمریکای شمالی شد، انتقادات گزنده‌ای نیز از نوشته‌های متقدمان صورت گرفت. در یکی از بی‌پرواترین این انتقادات گفته می‌شود که عمل به این نظریه‌ها نه تنها منجر به حل مسائل بسیاری که رشد مجموعه‌های کتابخانه‌ها به‌همراه آورده، نشد، بلکه وضع را بدتر نیز کرد (De, 1975: 917, Gennaro) در رساله دیگری که در آن تحول و توسعه مجموعه‌های کتابخانه‌های دانشگاهی آمریکای شمالی به نحو تاریخی مورد بررسی جامع قرار گرفته است باز هم انتقادات سهمگین‌تری بر روند مجموعه‌سازی در چارچوب عمل به نظریه‌های متقدمین عنوان شده است و این آرا برای هدایت مجموعه‌سازی نامربوط اعلام شده است. در این اثر ادعا شده است که حرفه کتابداری پاسخگوی تغییرات بنیانی که در پژوهش و آموزش دانشگاهی که از سی‌چهل سال پیش در این کشور شروع شده نبوده است. افزوده شده در حالی که تغییرات فوق‌الگوی استفاده از کتابخانه‌های دانشگاهی را به‌طور اساسی عوض کرده است، مجموعه‌سازی در آنها نتوانسته پاسخگوی این تغییرات باشد و خود را متناسب با آنها تغییر دهد. علت‌العلل این ناتوانی را نویسندگان دست برداشتن ادبیات مجموعه‌سازی از بازی با مفاهیم ادبیات متقدم نظیر جامعیت مجموعه می‌داند (Osburn, 1979: 106).

2. مجموعه‌سازی به مثابه برنامه‌ریزی

در بخش پیش به رواج اندیشه برنامه‌ریزی رسمی در کتابداری آمریکا، به‌ویژه کتابداری دانشگاهی آن، تبدیل آن به ایدئولوژی رسمی مدیریت کتابخانه‌ها در دهه 1970 اشاره شد. تبعات این تغییر، برای ادبیات مجموعه‌سازی که مسئولیت مدیریت مجموعه‌سازی را در حقیقت بر عهده دارد، تعیین‌کننده بود. در بخش پیش سخنانی نقل شد که کم و بیش نفی عملکرد مجموعه‌سازی را در خود داشت. این نفی به‌دنبال خود به درپیش‌گرفتن راههای نو برای دست یافتن به نوعی الگوی منظم و سالم رشد (De Gennaro, 1918) توصیه می‌کرد.

دعوت به فهم نو از مجموعه‌سازی تا سالها بعد نیز ادامه داشت و مثلاً از زبان مقامات رسمی سازمانهای

حرفه‌ای کتابداری شنیده می‌شد که «ارزیابی مجدد از ماهیت مجموعه‌سازی» ضروری است (Bullard, 1980:172). نویسنده بررسی تاریخی که پیشتر به آن اشاره شد چند سال بعد باز اعلام می‌دارد که «مجموعه‌سازی مسئله اصلی کل حرفه» است و صحبت از «بازاندیشی در باب مجموعه‌سازی به مثابه یک فرایند ارتباطی در یک نظام یکپارچه کتابخانه، جهان اطلاعات و جامعه» می‌کند.

اعلام تأسیس یک «رشته فرعی» در کتابداری به نام «مجموعه‌سازی Collection Development» در یکی از کنفرانس‌های فرعی انجمن کتابداری آمریکا، در سال 1977 ایده مجموعه‌سازی به مثابه برنامه‌ریزی را جا انداخت و آن را به صورت تئوری رسمی کتابداری پرقوت و نفوذ ایالات متحده عرضه کرد. در این کنفرانس تأسیس تخصصی به نام مجموعه‌سازی در کتابداری اعلام شد که کار آن «برنامه‌ریزی و ساختن مجموعه‌های پژوهشی بر یک اساس محکم‌تر و آگاهانه‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر و پیشرفته‌تر از گذشته» (Mosher, 1993:VII) بود.

اعلام فوق بر تعریفی تکیه دارد که در همان زمان از مجموعه‌سازی عرضه شده و مقبولیت عام یافته است. از آن زمان این تعریف که در آن از مجموعه‌سازی به عنوان «عمل برنامه‌ریزی» یاد می‌شود، تعریف پذیرفته شده بوده است، در این تعریف «برنامه یا خط‌مشی مجموعه‌سازی اهداف کوتاه و بلند مدت کتابخانه را تا آنجا که به مجموعه‌سازی ربط می‌یابد، تعیین می‌کند» (Edelman, 1979:33-34).

تعریف مجموعه‌سازی به مثابه برنامه‌ریزی با یک سلسله مراتب به نظمی عرضه شده است که مجموعه‌سازی در رأس، انتخاب "Selection" در میان و فراهم‌آوری "acquisition" در پایین آن قرار دارد. پیش از آن در میان کتابداران و در ادبیات کتابداری تعریف مشخصی از این سه اصطلاح در دست نبود و هر سه را طی دهه‌ها به جای یکدیگر استفاده می‌کردند و بخشهایی که امروزه در کتابخانه به نام بخشهای مجموعه‌سازی "Collection Development Department" خوانده می‌شوند، بیشتر بخش فراهم‌آوری "Acquisition Department" و مانند اینها خوانده می‌شدند.

در تعریف‌های جدید از سه اصطلاح فوق، از «مجموعه‌سازی» به عنوان فرایند برنامه‌ریزی، از "گزینش Selection" به عنوان فرایند تصمیم‌گیری برای تحقق برنامه و از "سفرارش و فراهم‌آوری Acquisition" به عنوان فرایند به عمل در آوردن تصمیم‌گیری‌های مرحله انتخاب، تعریف شده است (Edelman, 36).

اعلام پذیرش تعریفها و سلسله مراتب فوق را نویسندگان ادبیات مجموعه‌سازی با اهمیت، و همان فهم جدیدی تلقی کرده‌اند که ضرورت آن مطرح شده بود. این اعلام پذیرش برنامه‌ریزی را مفهوم مرکزی مجموعه‌سازی ساخت و محصول آن یعنی «خط‌مشی» را محمل برنامه‌ریزی دانست. (Osburn, 1983:285) پس از آن همواره برنامه‌ریزی «رشته‌ای بوده است که بیشتر نوشته‌های آمریکایی را در زمینه تئوری مجموعه‌سازی به یکدیگر متصل کرده است» (Atkinson, 1991:30).

بدین ترتیب برنامه‌ریزی و هدفمند کردن ابزار مدیریت و ارتباطات در عرصه مجموعه‌سازی درآمد و در شکل خط‌مشی مدون مجموعه‌سازی تجلی یافت تا عمل تصمیم‌گیری در هنگام انتخاب مواد را در چارچوب کاملاً عقلانی قرار دهد (Broadus, 22).

به منظور پیشبرد اندیشه برنامه‌ریزی رسمی به مثابه نظریه مجموعه‌سازی کوششهای ذهنی چندی به عمل آمده است. از آن جمله، و از همه بسط‌یافته‌تر، الگویی است که با عنوان «رویکرد ساختاری برای مجموعه‌سازی» عرضه شده است (Baughman, 1977). در این رویکرد پیشنهاد می‌شود که روابط درونی یک موضوع و روابط بیرونی آن با رشته‌های دیگر، آن‌طور که از طریق تحلیل استنادی قابل شناسایی است، مبنای مجموعه‌سازی در کتابخانه‌های دانشگاهی و پژوهشی قرار گیرد، زیرا «تنها استناد است که تماس

استفاده کننده با مجموعه دانش مدون را به نحو عینی منعکس می کند» (Baughman:241). بنابراین اگر بر اساس تحقیق تجربی روابط ساختاری بخشهای مختلف دانش درون یک رشته خاص و روابط و نسبتهای همان رشته از دانش را با رشته های دیگر بر روی یک نظام طبقه بندی مشخص کنید، «بنیان مجموعه سازی امروزی در کتابخانه را افکنده ایم» (Baughman:245)، و معضل انتخاب، پس از شناسایی روابط ساختاری، حل است؛ زیرا «همینکه ساختار تعیین شد، نقشه مجموعه سازی خودبه خود پدیدار می شود» (Baughman:242-243). انجام مستمر تحلیل استنادی فناوری است که در این الگو سفارش شده است تا آنکه تغییرات و تحولاتی که در طی زمان در مناسبات ساختاری رشته ها و موضوعات حادث می شود، تعقیب شود و نقشه روابط ساختاری بر حسب آن تغییر یابد و در عمل انتخاب مواد بکار بسته شود؛ بدین ترتیب «به نظامی برای مجموعه سازی دست یافته ایم که پویا و خود اصلاح گر است» (Baughman:242).

در قلمرو نظریه هایی که برنامه ریزی را محور مجموعه سازی می دانند نظر دیگری به بسط یافتگی الگوی فوق مطرح نشده است. برجسته ترین مورد آن است که بر بنیان نقد تاریخی توسعه مجموعه های کتابخانه های آمریکایی، که در بخش پیش از آن سخن رفت، شکل گرفته است. در آن اثر (Osburn, 1979) گفته شده است که برای همه، جهت کردن روند بسط مجموعه های کتابخانه های دانشگاهی با روند پژوهش، باید ایده پرورده در محیطهای دانشگاهی حوزه علوم انسانی در عرصه مجموعه سازی ترک شود؛ ایده ای که مطلوب آن در مجموعه سازی درست کردن مجموعه های جامع است. بجای آن باید اصل پاسخ دادن به نیازهای قابل شناسایی و فوری جامعه کتابخانه را مورد عمل قرار داد (Osburn:144).

به منظور همراه کردن اصل پاسخگویی به نیازهای جامعه یک کتابخانه دانشگاهی خاص با اصل تبدیل کل کتابخانه های دانشگاهی در کشور به صورت یک سیستم، پیشنهاد می شود یک دستگاه برنامه ریزی ایجاد شود که رشد آتی مجموعه های دانشگاهی را طرح ریزی و هماهنگ کند (Osburn, 1983:186). محور این الگو مفهوم مجموعه مرکزی یا هسته "Core Collection" به مفهومی که از راه تحلیل استنادی شناسایی می شود، است.

نویسندگان دیگری که بعداً به ترویج اندیشه مجموعه سازی به مثابه برنامه ریزی پرداخته اند، عنصر تازه ای به بحث اضافه نمی کنند. در یکی از این نوشته ها نویسنده به معرفی اصول و روند تهیه، اجرا، و ارزشیابی خط مشی های مجموعه سازی بر مبنای الگو برنامه ریزی رسمی می پردازد. چیزی که در سخن وی، به هر حال، تازگی دارد اشاره اش به صورت نگرفتن پژوهش جدی در مورد کاربرد این خط مشی ها است. او می خواهد که ادبیات مجموعه سازی توسط چنین پژوهشهایی مبنای محکم پیدا کند (Farrell, 1991:57-58).

3. مجموعه سازی به مثابه تفسیر

نظریه ای که در این بخش معرفی می شود را از آن رو تفسیری نامیده ایم که در آن مجموعه سازی از زاویه تجربه ذهنی مجموعه ساز تحلیل شده است. بدین معنی که نظریه ای که عرضه می شود حاصل تأمل کتابدار درباره عمل مجموعه سازی است و وی طی آن فهم خود را از این عمل تشریح می کند. در این نظریه عمل مجموعه سازی در کتابخانه عملی توصیف می شود که طی آن کتابدار با اتکا به فهمی که از نیاز جامعه مورد خدمت کتابخانه دارد، جزئی از اطلاعات موجود در جهان را از کل فرضی آن جدا می کند و در محل خاصی به نام کتابخانه جای می دهد تا مورد استفاده اعضای جامعه کتابخانه قرار گیرد. تصمیم گیری در باب اینکه کدام جزء جدا و در کتابخانه جا داده می شود و کدام جزء رد می شود عمل تفسیری است که بر مبنای فهم کتابدار از نیاز جامعه صورت می گیرد و ذات و گوهر عمل مجموعه سازی نیز همین است.

چهار مفهوم، پایه‌های نظریه تفسیری مجموعه‌سازی را می‌سازند: «ترکیب Combination»، «محلّیت Locality»، «زمان temporality»، و «تمرکز Focus» بگفته پردازنده این نظریه، این چهار مفهوم درک جاری ما را از مجموعه‌سازی می‌رساند و به اتفاق برای ترسیم خطوط کلی مجموعه‌سازی بنحوی که هم در محیط متعارف کتابخانه‌ای و هم در محیط online کاربرد داشته باشد، کافی است (29-30:1991, Atkinson).

غرض از مفهوم «ترکیب» در این نظریه آن است که یکی از چهار وجه اصلی عمل مجموعه‌سازی گردآوری منظم متنهای منفرد و درآوردن آنها به شکل یک متن عظیم در قالب کل مجموعه است. این متن عظیم (یا مجموعه) منبعی خواهد بود که استفاده‌کننده به آن مراجعه می‌کند و بخشی از آن را برمی‌گزیند و از آن یک مجموعه شخصی ایجاد می‌کند (Atkinson: 32-33) غرض از وصف «منظم» در بالا آن است که گرد آمدن این مجموعه به صورت تصادفی نیست؛ بلکه با این منظور صورت می‌گیرد که پاره‌های منفرد انتخاب شده یک کل را تشکیل دهد که کارایی خاصی داشته باشد و بتواند به طیفی از نیازهای مفروض پاسخ دهد.

شکل گرفتن یک مجموعه غیرشخصی، بدین ترتیب، مستلزم عمل ترکیب آگاهانه است، زیرا به عاملیت کسی (مجموعه‌ساز) که غیر از استفاده‌کنندگان مستقیم آن (جامعه) است، صورت می‌گیرد. عامل (مجموعه‌ساز) شکل خلاصه شده بخشهای بزرگی از جهان فرضی متن را که به صورت منابع انتخاب در اختیار دارد، از نظر می‌گذراند؛ نسبت متون را با یکدیگر می‌سنجد و تناسب آنها را با نیازها و توان بهره‌برداری جامعه خاص کتابخانه، در نظر می‌گیرد، سپس بر این اساس برخی را می‌پذیرد و برخی را رد می‌کند. عمل پذیرفتن و رد کردن موجب می‌شود که نوعی نوبت‌بندی از لحاظ اولویت انتخاب بوجود بیاید که بر بازده کار استفاده‌کننده از مجموعه تأثیر می‌گذارد. زیرا فهمی که از خواندن متون برای فرد حاصل می‌شود مثل فهمی که او از سایر چیزها و جاها به دست می‌آورد، لااقل تا حدی زمینه در مقایسه و تشخیص تفاوت بین چیزها و امور دارد.

نوبت‌بندی فوق را مجموعه‌ساز بر مبنای درک خود از اهمیت یک مدرک صورت می‌دهد (بدین معنی که آنچه بیشتر اهمیت دارد زودتر وارد مجموعه می‌شود). نوبت‌بندی از مجموعه مدارک که قابل انتخاب نوعی سلسله‌مراتب (Atkinson, 1991: 35) یا زنجیره ایجاد می‌کند که در یک نهایت آن پذیرفته‌ترین و در نهایت دیگر ناپذیرفته‌ترین عنوان برای گزینش قرار دارد. جایی بر روی این سلسله‌مراتب یا زنجیره انتخاب پذیرفتن پایان می‌پذیرد و رد کردن شروع می‌شود (Atkinson, 1994: 99).

سؤال بعدی این است که ملاکهای تشخیص اهمیت چیست؟ پاسخ را باید در سه مفهوم دیگری جست؟ «محلّیت» به این فرض بازمی‌گردد که هر کتابخانه خدمات خود را برای پاسخگویی به نیازهای «محل» خود (در معنای وسیع مفهوم این کلمه به نحوی که مفهوم اصطلاح شده «جامعه کتابخانه» را در بر بگیرد) تنظیم می‌کند (Atkinson, 1991: 36). مفهوم دیگر «تمرکز Focus» است و غرض از آن رساندن این معنی است که ساختار دانش در هر موضوع به نحوی است که برخی از پاره‌ها و بخشهای آن از برخی دیگر مهم‌تر و اصلی‌تر و برخی کم‌اهمیت‌تر و فرعی‌تر تشخیص داده می‌شوند. مفهوم «هسته Core» در تحلیل استنادی مفهوم علمی تجربی برای اشاره این بخشهای مهم و اصلی‌تر است. مجموعه هسته در هر موضوع در نظریه تفسیری آن منابعی دانسته می‌شود که برای فهم موضوع ضرورت دارد. آخرین مفهوم، زمان است و آن به این معنی است نقش کتابخانه تنها تهیه و در اختیار نهادن منابع اطلاعات نیست. بلکه، مهمتر از آن، انجام این وظیفه در زمان قابل قبول است. به بیان انتزاعی‌تر از این زاویه، نقش کتابخانه کوتاه کردن زمان دستیابی است

(1991, Atkinson: 38).

4. مجموعه‌سازی به مفهوم هرج و مرج سازمان یافته

بر اساس این نظریه، پویایی یا دینامیسم مجموعه‌سازی را با توسل به نظریه‌هایی که در آنها فرض بر آنست که گزینش‌های انسان تماماً عقلانی است، نمی‌توان درست فهمید. سه نظریه‌ای که تا بدینجا معرفی شده‌اند از این شمار هستند. در عوض، تحلیل رفتار از فرایند انتخاب مواد حاکی از آنست که عقلانیتی که در نظریه‌های فوق مفروض دانسته می‌شود، وجود ندارد (Schwartz, 1989: 328). سبب آن نیز نه برخورداری نبودن انتخاب‌گران از عقل سلیم، بلکه وجود ابهام‌های زیر است:

1- اهداف باز و غیر قابل تعریف دقیق: اهداف مجموعه‌سازی در کتابخانه‌ها ایده‌آلی و آرمانی هستند و مقیاس کمی برای اندازه‌گیری آنها وجود دارد؛ زمان تصمیم‌گیری برای انتخاب یا رد محدود است؛ استانداردها قابل بحث هستند.

این عوامل سبب می‌شود که تعیین هدفهای مشخص برای کتابخانه‌ها واقعاً «نه نشان‌دهنده ترجیحات با ثبات باشند نه مناسب برای تعبیر خلاق» (Schwartz, 1989: 334).

2- گزینش‌های مسئله‌دار: این وضعیت برخاسته از انتخاب مواد از میان موج فزاینده انتشارات، مشارکت افراد مختلف با علائق و جهت‌گیری‌های مختلف در انتخاب و عدم توافق آنها درباره کیفیت آثار.

3- تکنیک‌های غیردقیق: نقدها که منبع اصلی انتخاب کتاب هستند عمدتاً مثبت و سطحی هستند و نه انتقادی (Schwartz, 1989: 336).

4- بازخورد اندک یا نبود بازخورد در مورد آنچه انتخاب شده در نهایت برای استفاده مفید بوده است یا نه: ارزشیابی عمومی از عملکرد انتخاب‌گران و بررسی استفاده از مجموعه، نمی‌تواند کیفیت عمل انتخاب را مستقیماً برساند، تصورساز و کاری که با آن بتوان بازخوردهای حاصل از آمار استفاده از مجموعه را در امر انتخاب بکار گرفت، دشوار است. کمبود زمان و دردسر تهیه این بررسی‌ها و محدودیتهای آنها، از اهمیت‌شان می‌کاهد.

بنا به دلایل فوق معقول‌تر آن است بپذیریم که امر انتخاب مواد و به تبع آن مجموعه‌سازی نسبتاً تابع موازین عقلانی محض می‌تواند باشد، عوامل محدودکننده انتخاب تماماً عقلانی «نشان‌دهنده آن است که در مجموعه‌سازی رابطه میان وسیله و هدف پیچیده است و به‌سختی قابل ترسیم است و به‌سادگی آنچه که در نظریه‌های متعارف انتخاب عقلانی مطرح می‌شود، نیست» (Schwartz, 1989: 334).

علاوه بر آن، مجموعه‌سازی در کتابخانه‌ها یک وجه پنجم هم دارد و آن این است که تصمیمها در آن تحت تأثیر مسائل و افراد نسبتاً بی‌ارتباط با یکدیگر، امکان انتخاب‌های متنوع و راه‌حل‌های گوناگون شکل می‌گیرد. همه اینها همزمان در درون سازمان، مثلاً در یک محیط دانشگاهی، در جریان است. بنابراین می‌توان تصور کرد که در چنین محیطی نوعی «بی‌نظمی سازمان‌یافته Organised anarchy» وجود دارد (Schwartz, 1989: 333).

از این زاویه، نظریه‌های مجموعه‌سازی که در آن به‌طور صریح یا ضمنی فرض می‌شود که اهداف اعلام شده را با توسل به تکنیک‌هایی نظیر برنامه‌ریزی رسمی می‌توان به‌دست آورد، قادر به توضیح مجموعه‌سازی آن‌طور که واقعاً صورت می‌گیرد نیستند. توقع اینست که عملاً کل امر پژوهش در کشور به‌مثابه یک سیستم یا نظام عمل کند. ناشی از سوءفهم و تلقی ساده‌انگارانه از ساز و کارهایی است که جهان غیر یکپارچه متشکل از کتابخانه‌های دانشگاهی، دانشگاهها و ناشران را درک نمی‌کند. نگرش سیستمی، بگونه‌ای که در «نظریه عمومی

سیستمها» عنوان شده و از محیط اقتباس شده است، نمی‌تواند در محیطهای عمل آگاهانه انسانها، به‌ویژه آنها که خصوصیت‌های پنجگانه مذکور در فوق را دارند، بکار بسته شود.

در محیطهای انسانی به‌جای تلقی سیستم در مبنای متعارف، باید الگوهای که رفتار آگاهانه^۱ و مناسبات حاصل از آن را بهتر توضیح می‌دهند، مورد استفاده قرار گیرد. الگوی «عقلانیت محدود Bounded Rationality model» «الگوی تصمیم‌گیری زبانه دانی Garbage Can decision making model» که در علم مدیریت پرورده شده‌اند، برای توضیح عمل مجموعه‌سازی در کتابخانه مناسبتر هستند.

5. تحلیل نظریه‌ها در مجموعه‌سازی

آنچه تا به حال بیان شد، توصیف چهار گروه نظریه‌ها بود که در ادبیات کتابداری در زمینه مجموعه‌سازی مطرح شده است. این بخش به تحلیل هر یک از آنها و تعیین قابلیت آنها اختصاص دارد.

الف) نظریه‌های متقدم

در تحلیل مباحث متقدمان در باب مجموعه‌سازی به چند نکته می‌توان اشاره کرد. نخست آنکه این آرا محصول مستقیم تجربه اهل حرفه است که در طی زمان تحول یافته و شکل گرفته است. بخش نظری این ادبیات از تعدادی اصول تشکیل می‌شود که در همه آنها تکرار می‌شود. ویژگی دوم ادبیات متقدم آن است که اصول نظری آن برخاسته از ارزشهای حرفه‌ای است و از این رو دارای اهمیت هنجارآفرین Normative هستند.

ویژگی سوم ادبیات متقدم آن است که اصول نظری آن از راه پژوهشهای تجربی منظم، به‌صورتی که در پژوهشهای علمی رایج است، به‌دست نیامده است. روش حصول به این اصول تأملات شخص نویسنده‌گان آنها بوده است که در طی زمان شکل گرفته و نسل به نسل منتقل شده است.

اصول نظری متعارف یک خصوصیت دیگر نیز دارد و آن اینکه غرضشان بهبود بخشیدن به عمل مجموعه‌سازی و بهتر کردن آن است. از این رو جنبه تجویزی Prescriptive دارد. برعکس، ادبیات مجموعه‌سازی به‌مثابه برنامه‌ریزی مبتنی بر نظریه و الگوهای از پیش موجود است. الگوهای تصمیم‌گیری سازمانی بر مبنای برنامه‌ریزی رسمی در ادبیات مدیریت پرورنده شده و منتشر شده است و سپس نویسندگان ادبیات کتابداری اخذ و اقتباس کرده‌اند.

الگوهای فوق در اساس حاصل بررسی‌های تجربی هستند. تفکر برنامه‌ریزی رسمی یک الگوی تصمیم‌گیری عقلانی است که از سنت مدیریت علمی بر گرفته شده و ادامه بسط یافته آن است. ادبیات کتابداری در نیمه قرن بیستم و بلافاصله پیش از مطرح شدن اندیشه برنامه‌ریزی، شواهد متعددی از توجه رهبران فکری این رشته به مدیریت علمی را نشان می‌دهد.

بعداً نیز، چنانچه پیشتر اشاره شد، تفکر سیستمی، که خاستگاه آن علوم طبیعی است، چارچوب استدلال برخی از نویسندگان ادبیات مجموعه‌سازی قرار گرفت (Osburn, 1979).

ماهیت تجربی روش‌شناسی در نظریه‌های مجموعه‌سازی به‌مثابه برنامه‌ریزی را از روی محوری بودن مفهوم آثار «هسته Core» در آن می‌توان دریافت (Baughman: 244) و هنگامی که اصل اساسی در مجموعه‌سازی «نیازهای قابل شناسایی پژوهش» ذکر می‌گردد. روش تجربی همان روشی است که در بررسی

جنجال آفرین ولی اثرگذار درباره استفاده از مجموعه در یکی از دانشگاه‌های مهم کشور (Kentetal, 1979)، مورد استفاده قرار گرفت.

ب) مجموعه‌سازی به مثابه برنامه‌ریزی

در چارچوب تفکر مجموعه‌سازی به مثابه برنامه‌ریزی، آنچه که مورد نظر است رابطه‌ها است: نسبت میان اجزای مجموعه، رابطه میان استفاده‌کننده با بخشهای مختلف مجموعه و مانند اینها. در یکی از این الگوها به‌صراحت گفته می‌شود که غرض، «یافتن الگوی رابطه میان اجزای مختلف در مجموعه‌سازی» است (Baughman:242). و یا به‌بیان نویسنده دیگر در همین حوزه که نظریه را «سخنی انتزاعی می‌داند، رفتار خاص مربوط به پدیده‌های معین در آن به‌صورت خلاصه بیان می‌شود (Hazen, 1991:274). از این گذشته، باید به قصد تعریف جدید از مجموعه‌سازی به‌مثابه برنامه‌ریزی اشاره کرد که تلاش برای برقرار کردن نظم منطقی بیان شماری اصطلاح که به جای یکدیگر به کار می‌رفته‌اند، بوده است (Edelman:33). اما در رابطه با منظور، این دسته از نظریه‌ها در حالی که از وجوه دیگر با نظریه‌های متعارف متفاوت هستند، از لحاظ منظور یکسان هستند بدین معنی که آنان نیز تجویزی هستند و غرض از ابداع آنها نه توصیف محض، بلکه بهبود عملکرد است.

ج) مجموعه‌سازی به‌عنوان تفسیر

نظریه تفسیری در برخی ویژگیها با دیدگاه متعارف و برنامه‌ریزی مشابه است و از برخی لحاظ متفاوت. نظریه تفسیری نیز مانند دیدگاه متعارف، از تجربه عملی کتابدار برخاسته است، و فرآورده «فعالیت شناختی شخصی» (Atkinson, 1984:109) است. بدین ترتیب نظریه تفسیری از هیچ نظریه و الگوی از پیش تعیین شده اخذ نشده است، بلکه برآمده از فهم مستقیم اهل حرفه است.

بدین ترتیب، نظریه تفسیری فرآورده پژوهش نیز تجربی نیست. الگوی تصمیم‌گیری در مرحله انتخاب مواد (Atkinson, 1984)، و چارچوب نظری برای مجموعه‌سازی (Atkinson, 1991) در رویکرد محصول یک «پژوهش پدیدارشناسانه Phenomenological investigation» است که گفته می‌شود از نخستین موارد در ادبیات کتابداری است (Benediktsson, 1989:217).

نظریه تفسیری همچنین هدف خود را آن قرار داده است که به سؤال «مجموعه‌سازی که کتابداران به آن می‌پردازند چیست؟» پاسخ دهد، اجزای اصلی تجربه ذهنی کتابدار که در فرآیند تصمیم‌گیری بازنموده می‌شود (Atkinson, 1991:29) در آن روابط بین این اجزاء مورد توجه نیستند بلکه ذات آنها، آنچنانکه ذهن شخص دست‌اندرکار آنها را در می‌یابد، تحلیل شده است. گرچه نظریه تفسیری کار خود را «توصیف فرآیند مجموعه‌سازی جاری» اعلام می‌کند، هرزگاهی لحن تجویزی در آن آشکار می‌شود، و سخن از بایدها و نبایدها به میان می‌آید. بدین ترتیب، با وجود آنکه برخلاف نوشته‌های متقدم و برنامه‌ریزی، غرض آن بهبود عملکرد نیست، بلکه توصیف پدیدار است، اما در آن به‌صورت پراکنده اظهار نظرهایی درباره ویژگیهای عمل بهتر عرضه می‌شود.

د) مجموعه‌سازی به‌مثابه هرج و مرج سازمان‌دار

این نظریه، همانند نظریه برنامه‌مدار، بر نظریه و الگوهای از پیش موجود، استوار است. دو الگوی تصمیم‌گیری، پرداخته شده در رشته مدیریت به‌نام «عقلانیت محدود Bounded Rationality» و «مدل

تصمیم‌گیری زباله‌دانی Model Making Garbage can Decision به‌علاوه نظریه موسوم به «نظام‌های سست‌پیوند Loosely Coupled Systems» مبنای بحث مجموعه‌سازی به‌مثابه هرج و مرج سازمان‌دار بوده‌اند. بدین ترتیب این نظر نیز ریشه‌اش در تجربه عملی کتابداری نیست.

در عین حال دو الگو و نظریه مبنای به‌دست آمده از پژوهش‌های تجربی هستند. بدین معنی که دانشمندان حوزه مدیریت آنها را با مطالعه رفتار آدمیان در محیط‌های سازمانی و سازمانها شکل داده‌اند. به‌تبع آن، نظریه مجموعه‌سازی که در این بخش با آن سروکار داریم نیز توجهش بر رفتارهاست و می‌خواهد آنها را تحلیل کند (Schwartz, 1989:328). و رفتارها نیز در مناسبات انسان با جهان اطراف بروز می‌کند.

یک مشخصه مهم دیگر این نظریه آن است که از تجویزی بودن به‌شدت پرهیز دارد و آگاهانه از آن فاصله می‌گیرد. در آن به «کنار گذاشتن بایدها» و در عوض تلاش برای تحلیل جنبه‌های خاصی در عمل انتخاب مواد که مبهم هستند» پرداخته می‌شود.

6. بررسی کاربرد

ویژگیهای برشمرده هر یک از چهار دسته نوشته‌های نظری مجموعه‌سازی را می‌توان مبنای سنجش کاربرد آنها به‌طور عام و کاربرد پژوهش آنها به‌طور خاص قرار داد. اما پیش از آن جمع‌بندی‌ای از این ویژگیها در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود:

جدول شماره ۱، ویژگیهای چهارگانه نظریه مجموعه‌سازی

نظریه/ویژگی	خاستگاه	روش استخراج	مرکز توجه	رویکرد
متعارف	عمل	پژوهش ذهنی	خود پدیده	تجویزی
برنامه‌مدار	نظریه از پیش موجود	پژوهش تجربی	روابط	تجویزی
تفسیری	عمل	پژوهش ذهنی	خود پدیده	توصیفی
رفتاری	نظریه از پیش موجود	پژوهش ذهنی	روابط	توصیفی

نظریه‌ها در مجموعه‌سازی و خاصه‌های آنها

چنانکه می‌بینید، چهار نظریه دو به دو از لحاظ خاستگاه، روش استخراج، مرکز توجه، به یکدیگر شباهت دارند، ادبیات متعارف و تفسیری بنیان فلسفی مشابه دارند. روش استخراج آنها (معرفت‌شناسی) نیز مشابه است و درباره پدیده‌های خاصی سخن می‌گویند. مرکز توجه هر دو نظریه ماهیت و ویژگیهای موضوع بحث (مجموعه‌سازی) است تا الگوهای روابط میان اجزای آن. این واقعیت ما را مجاز می‌سازد که آنها را نظریه‌های ذات‌گرا Essentialist بدانیم زیرا در آنها غرض از کند و کاو «کشف و توضیح ماهیت حقیقی چیزها... با کمک شهود و یا درک مستقیم ذهنی است» (Popper, 1962:32).

برخلاف این دو، مفاهیم و الگوهای نظریه برنامه‌مدار و رفتارگرا، چنانکه گفته شد، اصراری بر کشف و توضیح ماهیت‌ها ندارد، بلکه در پی کشف روابط میان آنها است. برای نظریه‌های برنامه‌مدار و رفتارگرا آنچه که برای نظریه‌های متقدم و تفسیری اصل مطلب است، نامی بیش نیست که کشف روابط آن با پدیده‌های دیگر موردنظر است. از این‌رو نظریه‌های برنامه‌مدار و رفتارگرا را می‌توان نام‌گرا Nominalist نامید، زیرا بجای تلاش برای دریافتن چیستی واقعی چیزی، و تعیین ماهیت حقیقی آن، نام‌گرایی روش شناختی هدف

خود را توصیف نحوه رفتار آن چیز در شرایط مختلف در اوضاع و احوال مختلف قرار می‌دهد و به‌ویژه برای اینکه ببیند آیا در آن رفتار نظمی وجود دارد یا نه (Popper:32) ذات‌گرا یا نام‌گرا بودن را رویکرد دو بنیان متفاوت برای سخن‌قرار می‌دهند به‌نحوی که مقایسه را دشوار می‌کند. بدین ترتیب نظریه‌های ذات‌گرای مجموعه‌سازی که به دنبال کشف حقیقت مجموعه‌سازی است، فهمی از آن را به خواننده عرضه می‌کند که بنیان در عمل آگاهانه دارد. دستاورد نهایی خواننده از این‌گونه نظریه‌ها «دید» است که او با مشارکت در تجربه انسانهای دیگر به دست می‌آورد و می‌تواند آن را با تجربه خود «جوش» بزند؛ در ارزشهای آنها نظر بیفکند و آنها را بپذیرد یا رد کند. به‌طور خلاصه، خواننده با این‌گونه نظریه‌ها مکالمه Dialogue برقرار می‌کند تا از این طریق به دیدی از آن خود برسد.

برعکس، نظریه‌های نام‌گرا در مجموعه‌سازی (نظریه برنامه‌مدار و رفتارگرا) در پی کشف رفتارها و تعیین مناسبات هستند، دستاوردهای دیگری برای خواننده خود دارند. خواننده با نظریه‌ها «مکالمه» برقرار نمی‌کند، تنها می‌تواند آنها را بیازماید و صحت داشتن یا نداشتن آنها را دریابد. از این‌رو این نظریه‌ها و الگوهای که عرضه می‌کنند بستر و چارچوبهای مناسب برای اجرای پژوهشهای علمی هستند.

نظریه‌های ذات‌گرا در مجموعه‌سازی نیز می‌توانند صحیح یا غلط باشند، می‌توانند شدنی یا نشدنی باشند، اما تعیین صحت یا عدم صحتشان مستقیماً قابل پژوهیدن نیست، برای آزمودن آرای مندرج در نظریه‌های متقدم و تفسیری مجموعه‌سازی، گزاره‌ها (احکام)، مفاهیم و فرضیه‌های آنها را باید به گزاره‌ها (احکام)، مفاهیم و فرضیه‌ها درباره روابط محتمل در عمل مجموعه‌سازی و انتخاب مواد ترجمه کرد. آخرین ستون جدول ویژگیها، نشان می‌دهد که رویکرد در نظریه متقدم و برنامه‌گرا تجویزی هستند. این امر با تصویر متعارف که توضیح و توصیف پدیده‌ها و روابط را کار نظریه می‌داند، البته، نمی‌خواند. تجویزی و امری بودن سخن آن را از دایره قابل رسیدگی بودن به در می‌آورد. ما سخن امری را از نظر صدق یا کذب مورد سؤال قرار نمی‌دهیم. این وضع البته برای نظریه‌های مجموعه‌سازی متعارف ایرادی به‌شمار نمی‌رود زیرا در این نظریه‌ها سخن از وضعیت مطلوب مجموعه‌سازی می‌رود و صاحبان آن هیچ‌گاه ادعا نکرده‌اند که نظریاتشان وضع موجود را توضیح می‌دهد.

اما در مورد نظریه برنامه‌گرا، تجویزی بودن رویکرد آن با طبیعت توصیفی حاکم بر پژوهشهای تجربی ناهماهنگ به نظر می‌رسد. قانون طبیعی برای تحقق یافتن نیازی به تجویز ندارد. قانونهای وصفی لحن تجویزی را ایجاب می‌کنند. این تناقض است که در ادعای نظریه برنامه‌ریزی رسمی به عنوان یک الگوی علمی و نیاز آن به داشتن لحن تجویزی به چشم می‌خورد. از این‌رو نظریه برنامه‌ریزی رسمی را می‌توان نه یک نظریه علمی تصمیم‌گیری سازمانی بلکه یک اعتقاد نامید.

7. نتیجه‌گیری

آنچه که به‌عنوان نظریه در مجموعه‌سازی در این نوشته معرفی شد اندیشه و الگوهای است که از سرچشمه‌های مختلف و در چارچوبهای متفاوت از لحاظ مبانی فلسفی، و برای منظوره‌های متفاوت شکل گرفته‌اند. از این‌رو مقایسه همه آنها با یکدیگر دشوار است. نظریه‌های متقدم دیدگاههای عملگرا مبتنی تجربه‌های اهل حرفه را به خواننده منتقل می‌کنند و بصیرت حاصل آمده از آن تجربه‌ها را در اختیار او قرار می‌دهند. دیدگاه تفسیری بسط فهم خواننده را از معنی عمل مجموعه‌سازی، هدف قرار داده است و در پی شناختن «گوهر» یا ذات، فعالیت است که انجام می‌شود.

نظریه برنامه‌مدار، مجموعه‌سازی را در چارچوب فعالیت رسمی برنامه‌ریزی ادراک می‌کند و قصدش آن

است که با اعمال این چارچوب بر عمل آن را به نهایت عقلانی کند. عقلانیت مورد نظر، نظریه برنامه‌مدار به معنی کارایی (effectiveness حاصل آوردن نتیجه مورد نظر) همراه با صرفه اقتصادی و بدون ضایعات efficient است. اما نظریه رفتارگرا هدف خود را تنها توصیف و توضیح قرار داده است و در مقام یک رویکرد علمی، در درجه نخست قرار داده است و در مقام یک رویکرد علمی، در درجه نخست هدفش تجزیه و از هم گشودن ساخته‌های نظریه‌های پیشین و بررسی واقعیت داشتن یا نداشتن آنها است. در درجه بعد این نظریه الگوهای به‌زعم خود «نزدیک‌تر به واقعیت» ساخته خود را عرضه می‌دارد.

شناختن نظریه‌های فوق برای دانشجوی کتابداری او را با میراث فکری رشته‌اش آشنا می‌کند و در مقام عمل حرفه‌ای یا پرداختن به پژوهش در حوزه مجموعه‌سازی می‌تواند به او بصیرت ببخشد.

منابع

Atkinson, Ross(1984) "The citation as intertext: Toward a theory of the selection process". **Library Resources & Technical Services**. Vol.28, No.12, p. 109-119.

Atkinson, Ross(1991) "The conditions of collection development". In: **Collection Management: A New Treatise**. Edited by Charles Osburn and Ross Atkinson. Greenwich, Conn., JAI Press, pp.29-48 .

Baughman, James C. (1977)"Toward a Structural Approach to Collection Development". **College and Research Libraries**. Vol.38, pp.241-248 .

Benediktsson, Daniel (1989) Hermeneutics: dimensions toward LIS thinking. **Library and Information Science Research**. Vol.11, pp.201-234 .

Bergen, Dan(1966) Implications of general systems theory for librarianship and higher education. **College and Research Libraries**. Vol.27, pp.358-388 .

Broadus, Robert (1991) "The history of collection development".In. **Collection Management: A New Treatise**. Greenwich, Conn. JAI Press, pp.3-28 .

Bullard, Scott R. (1981)"Collection Management and Development Institute, Stanford University, July 6-10, 1981: The last report". **Library Acquisition: Practice and Theory**, Vol.5, pp.171-183 .

DE Gennaro, Richard(1975)"Austerity, Technology and Resource Sharing". **Library Journal**, Vol. 100, pp.917-923.

Dougherty, R. M., Heinritz, Fred J. (1966) **Scientific management of library operations**. New York: The Scarecrow Press.

Edelman, Hendrik (1979) "Selection methodology in academic libraries". **Library Resources and Technical Services**. Vol, 23,pp. 33-38.

Evans, G. Edward (1995) Developing Library and information Center Collections. 3rd ed Englewood, Colo.: **Libraries Unlimited**, 1995.

Farrell, David (1991) "Policy and planning" . In **Collection Management: A New Treatise**. Greenwich, Conn. , JAI Press. pp.51-66.

Hazen, Dan C. (1991) "Selection: Function, Models, Theory". In: **Collection Management: A New Treatise**. Greenwich, Conn. JAI Press. pp. 273-300 .

Kent, Allen, et al. (1979) **Use of Library Materials: The University of Pittsburg Study**. New York: Marcel Dekker.

Kilgour, Frederick G. (1968) System concepts and libraries.**College and Research Libraries**, Vol. 28, pp. 167-170.

Association, pp. vi-vii.

Osburn, Charles (1979) **Academic Research and Library Resources**; Changing Patterns in America. Westport, Green Press.

Osburn Charles (1983) Toward reconceptualization of collection development. **Advances in Librariy Administration and Organization**, Vol. 2, pp. 175-198 .

Popper, Karl R. (1962) **The Open Society and its Enemies**. London: Roytledge & Kegan Paul.

Schwartz, Charles (1989) " Book Selection , Collection Development, and Bounded Rationality" **College and Research Libraries**. Vol, 50, pp.328-343.